



# مدیریت دانشگاهی (۲)

دکتر عبداله زمدیه

## مقدمه

بدیل‌های با اصطلاح راهبردی احاکم شده است. اما این خود هم معلول است و هم علت. معلول است زیرا واگرایی از کلیسای منحن و پلید قرون وسطی محافل دانشگاهی و علمی اروپا را به سرعت بسوی يك فضای غیر دینی و ضد دینی سوق داد. حتی گرایشهای مذهبی جدیدیکه مطرح شد در تائید اخلاق سوداگری و بعداً "ربا خواری و انباشت ثروت شکل گرفت و دنیا پرستی و تکیه بر همین حیات محسوس اصالت یافت. علت است زیرا رشد ساختار سرمایه‌ای جامعه پس از رنسانس و نظریه پردازی اقتصادی متعاقب آن تولید هر چه بیشتر و مصرف روز افزون را ضرورت اجتناب ناپذیر رونق زندگی اجتماعی و پیشرفت فرهنگی و درخشش مدنی انسان قلمداد می‌کرد. امروز نیز که غرب در مقابل ظرفیت شگفت انگیز تولیدی اش بازارهای خود را اشباع و بازارهای اسیر جهان سوم را در مسیر بیداری و استقلال مشاهده می‌کند اجباراً "تنوع بیش از حد" کالاهای مصرفی را معادل و فور نعمت قلمداد می‌نماید. الگوی برای اعتبار و موفقیت زندگی غربی. غرب در این راه چاره‌ای ندارد زیرا اگر جهان سوم راه بیداری و استقلال خود را ادامه دهد و مخصوصاً "اگر تباهی الگوی مصرف -

شیوه تحصیل دانشگاهی ما غربی است. کتابهای ما عمدتاً "غربی است. طرح دروس ما غربی است. استادان ما یا در غرب علم آموخته اند و یا در همین نظام دانشگاهی غرب زده طلبگی کرده و اکنون خود مدرس شده اند. در نظام ارزشی غرب فضای دانشگاه با فضای کار و کسب تفاوت معرفتی ندارد. درهمه جا انسان در جستجوی رفاه و لذت‌های مادی است و در این قلمرو هر مسأله‌ای که پیش آید جواب علمی و فنی دارد. لذا باید عالم به معنای فن شناسی شد تا انسان کا لایی برای فروش داشته باشد و مسائل مردم را حل کند. وقتی مواجه با مسائلی در غیر فن خود شد به صاحبان فنون دیگر مراجعه می‌کند و آن صاحبان فنون برای او راه حل طراحی می‌کنند و پیش پایش می‌گذارند. فرض غرب آن است که مسأله‌ای و نیازی فرا سوی تخصص‌های عمل آمده در نظام دانشگاهی خودشان برای انسان پیش نمی‌آید. هر چه هست همین است. بهمین سبب نیز کلیه علوم در غرب گرایش شدید مقاداری یافته و کاربرد ریاضی و پژوهش عملیاتی در طراحی و محاسبه شقوق مسائل و

زندگی را بپذیرد و فقط ده پانزده درصدی بازار صادرات آمریکا، اروپا و ژاپن را کاهش دهد کل نظام با اصطلاح متمدن جهان امروز به ورطه شدیدتر از بحران های اوایل قرن حاضر میلادی سقوط خواهد کرد.

بنابراین بنظر می رسد آنچه در نظام غربی طراحی شده از نظریه پردازی در رشته های مختلف علوم گرفته تا طراحی های کاربردی در همان رشته ها از جمله رشته های فنی، مهندسی، برای شکوفائی چنین نظامی، انجام شده است. و اکنون نیز که خود را در آستانه بحران مشاهده می کنند تمامی تدابیرشان برای حفظ نظام موجود است. قهر و آشتی شان بقول امام بزرگوار ما از سر مصالح یا مصالح خودشان است و نه حبی (بلکه بغض) نسبت به ما. بنابراین امروز بیش از هر زمان استفاده از علوم غربی و حتی انتخاب ما از ابزار و ماشین آلات و با اصطلاح اغواگرانه، آخرین تکنولوژی پیشرفته آنها می بایستی سنجیده تر و دانسته تر از همیشه باشد زیرا چه بسا زهریکه امروز در این طراحی ها و تدابیر نهفته است کشنده تر از هر زمان دیگر باشد.

چنانچه از دید معرفتی به موضوع با لا بنگریم غرب مسیر زبر را که خود تجدید حیات فرهنگی و علمی می نماید طی کرده است:

— ابتدا از کلیسا گسسته و با شتاب هر چه تمام تر مفاهیم و ادراکات علمی ضد کلیسایی و مستقلاً اتخاذ کرده است که وجهه فلسفی آن اصالت تجربه و حس بوده است.

— درگیر و دار این دگرگونی، متفکران اجتماعی بارویگردانی از دنیای آخرت کلیسا، اصالت فایده جویی فردی و سپس اصالت فایده جویی اجتماعی و خیر جمع را که ضمانت اجرائی آن قانون بود، مطرح کردند.

— همزمان با این فلسفه بافیها، انقلاب صنعتی و توسعه استعماری غرب آغاز شد و حکومت سرمایه فلاسفه و دانشگاهیان را که غالباً "توجیهگر حرکت دولتهای وقت و منفعل از آنها بودند در اطاقها و کتابهایشان محبوس ساختار است.

— حکومت سرمایه و توسعه فعالیت اقتصادی و افزایش حجم تولید و ضرورت مصرف زندگی فرهنگ

غرب را در یک لذت جویی افراطی خلاصه کرد به گونه ای که اخلاق باقیمانده از دین زدایی رنسانس راهم از صحنه خانواده و مدرسه و اجتماع بیرون راند.

— بزبان دیگر غرب بر شخصیت انسان يك سقف سخت ولی بسیار کوتاه قرارداد که در زیر آن رفاه مادی و لذت جویی و در مساوی آن قناعت یا سادگی، فداکاری، انسان دوستی، ایثار، صواب، نیت، خدا و آخرت قرار داشت. و با قدرت اقتصادی و نظامی که انباشته بود غارت ثروت و کشتار جوان مردان و بیباختگان دیگران و برتری نژادی را برای خود اصالت داد و خویشتن را حتی بر تراز قوانین خود ساخته دانست. رفتار جبهه ای متحد کشورهای غربی و شرقی علیه انقلاب اسلامی در طول دهساله عمر آن مصداق گویای این فرهنگ است.

دانشگاه غربی در چنین فضائی غرس شده و نشو و نما کرده است و استاد و دانشجوی آن نیز از همین فضا تغذیه شده اند. بدیهی است که فلاسفه و فرهنگیان بوده اند که چشم دلشان روزنه هایی از حیات و انسانیت را دیده است ولی حکومت سرمایه و لذت جویی حاصل از آن اجازه نداده است که اینگونه پیامها در سطح جامعه مطرح شود. و دقیقاً "لذت جویی، ولخرجی و بی بند و باری (به معنای آزاد) غرب است که انسانهای عامی و دانشجویان غیر مومن جوامع اسلامی را افسون می کند. و جالب توجه اینکه تحقق و تعمیم همین الگو جوهره ماموریت شاه را برای وطنش شکل می داده است.

و اینجاست که می گوئیم، چنانچه دانشجوی ما بایستی انسان متفاوتی باشد، فضای دانشگاه های ایران اسلامی باید بصورت بنیادی دگرگون شود تا این مهم تحقق یابد.

اکنون که به مشیت بالغه الهی انقلاب اسلامی ما سر بلندتر و مطمئن تر از همیشه می خواهد الگوی خود را در مسیر بازسازی طراحی و پیاده کند اصالت اسلامی در نقش دانشگاه اهمیت و اولویت اول را بخود اختصاص می دهد. ممکن است کسی بگوید که دانشجوی نظام آموزش عالی ما ناشناخته است لذا مربی نمی داند با چه معجونی سروکار دارد و چه شکل و شمایلی می تواند بآن بدهد. البته این سخن تا اندازه ای معتبر است ولی

اصول مسلم " من لا يدرك كله لا يترك كله " جای چانه زدن در این تدبیر باقی نمی‌گذارد .

دانشجو، سالهای اشتیاق و آرزومندی خود را برای ساختن آینده زندگی‌اش در اختیار دانشگاه می‌گذارد و این فرصتی خطیر و میدانی بس امیدبخش است . اما جان سخن اینجا است که می‌خواهیم دانشجوی نظام دانشگاهی ما برای خدمت به مردم مظلوم و محروم جامعه ایران اسلامی و سایر جوامع عضو در خانواده بزرگ اسلام تربیت شود و برای چنین نظام ارزشی نظریه-پردازی و طراحی و تولید کند .

صلابت مساله آنچنان است که ممکن است بعضی رابه وحشت بیندازد . زیرا ضرورت اجتناب ناپذیر استدلال با لاشك کردن در کلیه‌ی افکار و مفاهیمی است که تاکنون بعنوان علم غربی مورد استفاده مآقرار گرفته است . چنین شکی در برخورد يك مسلمان متفکر با شهادت ممکن است واجد و نعمت باشد و بر هر نعمتی شکری واجب :

نعمت اول اینکه شك در علوم و مفاهیم غربی - در حالیکه ضرورتاً " نفی کلیه مضامین و دستاوردهای علمی آنها را ایجاب نمی‌کند - جهشی است در جهت‌ها از خود باختگی که هنوز هم پس از ده سال تجربه اسلامی در جان ما رسوخ دارد .

نعمت دوم اینکه دانشگاه‌های ما را از خوابیکه به شدت دچار آن هستند بیدار می‌کند و ر کود و کسالت امروزی آن رابه حرارت بحث و پژوهش و (البتسه) مجادله‌ی علمی بدل می‌کند .

خواهید گفت که نه استاد امروزی و نه دانشجوی او برای چنین فضایی آمادگی دارند . در باره استاد در جای خود بحث خواهد شد . ولی دانشجویانش و مشتاقان علمی در دانشگاه است . حتی دانشجوی ضعیف امروز در چنین فردائی خود را شکوفا و خلاق و نوآر خواهد یافت . و این ادعا نه تنها بر طبیعت انسان منطبق است بلکه ضرورت فضاهای خلاق و خودجوش است . و چنین دانشجویی است که در آنچنان فضائی متعهد به انقلاب اسلامی بار خواهد آمد .

در این زمینه فرمایشی از پیامبر بزرگوار اسلام صلی . . . علیه وآله وسلم وجود دارد که شگفت انگیز

است . اینجانب جرات تفسیر آن را ندارم . فقط متن و ترجمه آن را نقل می‌کنم . پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید :

**من جاءه الموت وهو يطلب العلم ليخبي به،  
الاسلام كان بينه وبين الانبياء درجه واحدة  
في الجنة<sup>۲</sup>**

ترجمه : هر که در مسیر طلب علم برای احیاء اسلام بمیرد جایگاه او در بهشت يك درجه نازلتر از انبیا است .

وقتی کلام خدارا در نظر بگیریم که می‌فرماید " و ما ينطق عن الهوى، ان هو الاوحى يوحى " آنوقت شگفتی ما از عظمت بیان پیامبر صلی . . . علیه وآله وسلم بیشتر می‌شود . هنوز هم جسارت تفسیر و تاویل رابه خود نمی‌دهم ولی می‌خواهم چند نکته را از محتوای ظاهر کلام مبارک ایشان یادآور شوم .

اول اینکه ضرورت حرکت اسلامی در تمام ادوار تاریخ و باقرب احتمال امروزه ایجاب می‌کند که فرمایش مبارک حضرت ختمی مرتبت (ص) منحصر به علوم معرفتی و توحیدی نباشد و تمام علوم را در بر بگیرد که در مواجهه اسلام با کفر و نفاق جهانی جوابگوی نیاز موثری باشد . تکیه حضرت امام از روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی بر خود کفائی کشاورزی و نیاز بعدی مابه توسعه سریع صنایع نظامی و ضرورت امروزه برای خود جوشی مستقل در تمامی زمینه‌های علوم و مویدا این امر است .

دوم اینکه طلب علم برای " احیاء اسلام " که تکیه کلام پیامبر اکرم (ص) در فرمایش با لا است مقوله جالب توجهی است که نه تنها استنباط با لاراتا بیید می‌کند بلکه خود میدان مسئولیت خطیری برای یکایک دانشگاهیان جهان اسلام مطرح می‌سازد . " طلب علم برای احیاء اسلام " حتی متضمن وجود تمایز جدی با " طلب علم برای احیاء و ابقاء کفر و نفاق " است که با احتمال قوی منحصر به نیت نباید باشد و محتوای علم راهم در بر خواهد گرفت گوا اینکه صرف نیت در طلب علم برای احیاء اسلام حرکت و محتوای متفاوتی را ایجاب می‌کند .

سوم اینکه حضرت ولی . . . الاعظم (ص) مقام چنین طالب علمی را در آنچنان عظمتی مطرح فرموده اند که

در بهشت جنان در جوار انبیا و فقط درجه‌ای نازلتر قرار خواهند گرفت. این خودتوجیه بسیار مهم دیگری است که طلب علم مستقل اسلامی برای احیاء اسلام را مقام شامخی می‌دهد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است.

وقتی کلام حضرتش را به سرچشمه فیاض الهی پیوند دهیم صراحت و صلابت مساله روشنتر می‌شود. خداوند می‌فرماید "ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا" یعنی خداوند نمی‌پسندد که کافران به مسلمانان سیطره و تسلط داشته باشند. ملاحظات بالا این سؤال اساسی را مطرح می‌کند که حرکت بسوی فضای دانشگاه اسلامی در بستر علم و صنعت وابسته‌ی امروزین کشور چگونه امکان پذیر است. در طول دهساله انقلاب و ضرورت‌های جنگ تحمیلی دانسته و ندانسته قدم‌های موثری در این زمینه برداشته شده که می‌بایستی به محک سنجش معرفتی آشنا شود. بدیهی است مراحل گذرا شرایط فعلی را باید به دقت برنامه‌ریزی کرد که جای بحث آن در این نوشته نیست.

### عناصر تشکیل دهنده دانشگاه

#### ۱- دانشجوی و فارغ التحصیل

این قسمت از بحث در چهارچوب ذیل ارائه می‌شود:

۱-۱- دانشجوی در آستانه دانشگاه

۱-۲- دانشجوی در دوران تحصیل

۱-۳- دانشجوی در فراغت از تحصیل

۱-۴- فارغ التحصیل در بستر حرکت جامعه

#### ۱-۱- دانشجوی در آستانه دانشگاه

چه کسی می‌داند این جوان که در یک رقابت یک به ده از آزمون سراسری پیروز برآمده و خوش خیال و سر بلند از دروازه دانشگاه وارمی شود کیست؟ آیا خود دانسته و سنجیده این طریق را طی کرده و باین آستانه گام گذارده است؟ اگر جواب این سؤال مثبت باشد آنوقت می‌بایستی دانشجوی در طول سالهای متوسطه

سر جمع استعدادهای خود را در رابطه با نیاز جامعه و امکانات آن در چهارچوب راهنماییهای مدرسه و خانواده و بینش شخصی حلاجی نموده و به یک نتیجه روشن و نسبتاً مطمئن رسیده باشد. عبارت دیگری دانشجویی بایستی سالهای متوسطه خود را در فضایی از مجموع ملاحظات زیرگذرانده و تدریجاً به جمع‌بندی نهایی اش دست یافته باشد:

- از ابتدای دوره متوسطه بدانند که دارای استعداد لازم برای تحصیلات عالی است. این آگاهی را ممکن است خود، خانواده یا مدرسه یا مجموعاً فراهم نموده باشند.

- رشته متناسب با استعداد خود را شناخته و دوران متوسطه را با تکیه بر آن طی کرده باشد.  
- نیاز جامعه را متوجه شده و خود را با آن تطبیق داده باشد.

- امکانات و محدودیتهای جامعه را مدنظر قرار داده و جرح و تعدیل لازم را در توقعات و تواناییهای خود کرده باشد.

- جایگاه خود را بعنوان خدمتکار متخصص جامعه و دست پرورده جامعه درک کرده باشد و با تواضع و اخلاص نسبت به ولی نعمت خود (جامعه مظلوم) به عرصه دانشگاه قدم بگذارد.

در نظام آموزش و پرورش که انقلاب اسلامی از طاغوت میراث برده تقریباً هیچیک از این ملاحظات مورد توجه نبوده است. هر چند در نظام اسلامی ابداً نهاد انقلابی "امور تربیتی" قسمتی از این خلاء را جابجا کرده ولی به سبب قلت تعداد مسئولان، فقدان شرح وظایف رسا و محدودیت قلمرو عمل نتیجه بسیار محدودی به بار آورده است. امید بزرگ خدمتگزاران آموزش اسلامی به طرح بنیادی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی است که قرار است تدریجاً انشاء ۰۰۰ پیاده شود.

در چنین شرایطی سؤال اصلی نظام دانشگاهی هنوز هم این است که دانشجوی تازه وارد چگونه شخصیتی است؟ شاید هیچیک از ماست اندر کاران مدیریت دانشگاهی جوابگوی این سؤال نباشیم. ولی یک امر روشن است و آن اینکه او هر که و هر چه باشد امانت جامعه، خانواده و خود او بدست نظام دانشگاهی است،

امانتی مشتاق، پذیرنده و شکل‌پذیر. تا آن زمان که نظام آموزش و پرورش اسلامی بتواند امانتی ساخته و پرداخته به نظام آموزش عالی کشور تحویل دهد - نظام آموزش عالی نمی‌تواند دست روی دست بگذارد و این تازه وارد ناشناخته را در آشفته‌گی و بلاتکلیفی رها سازد.

پس برای تحقق حرکت آگاهانه تری در نظام آموزش عالی - خصوصا " در قبال رسالتهای سنگین علمی، معرفتی که انقلاب اسلامی برای خانواده بزرگ اسلامی جهان بعده گرفته - چه می‌توان کرد؟ مصاحبه محدود با صاحب نظران آموزش عالی و استادان و دانشجویان نتایج زیر را همراه با تصویری غیر دقیق و غیر علمی بدست می‌دهد که دانشجوی امروزین، برای چه مقاصدی به دانشگاه روی آورده است.

- جویای تخصص است

- جویای تخصص و رشد معلومات خود است

- می‌خواهد منشاء خدمات تخصص برای کشور

خود قرار گیرد

- جویای کار مطمئن است (با مدرک متوسطه قادر به

کاریابی نیست)

- مطمئن نیست بهترین استعداد خود را دریافته

باشد

- می‌خواهد به حرکت انقلاب اسلامی خدمت

کند

هیچیک از دانشجویان مصاحبه شونده در قبال

هیچیک از موارد با لا قادر به ارائه یک توضیح تحلیلی -

معرفتی نبوده‌اند. بعنوان مثال در پاسخ سئوال اضافی

درباره " رشد معلومات " و یا تحصیل " کار مطمئن "

از طرح مطالب غیر دقیق و بدون هدف و مقصود مشخص

گامی فراتر ننهادند. گوئی امیدوارند یک دست

غیبی به مددشان برسد و در هر مورد چاره‌ای برایشان

بیابد.

تذکر این نکته ضروری است که بررسی ابتدایی

با لاناظر بردا و طلبان رشته‌های علوم پایه و طیف وسیع

علوم انسانی است. دانشجویان رشته‌های پولساز چون

رشته‌های متعدد پزشکی و راه و ساختمان و الکترونیک و

مواد غذایی از همان قدم اول دغدغه‌ای بدل را نمی‌دهند

ولی در قبال زوایای معرفتی و علمی آموزش عالی بهمان اندازه سرگردانند.

نویسنده بر این نظر است که احتمالا " تقویت واحدهای مشاوره دانشجویی و انسجام بیشتر در نقش راهنمایی هیات علمی - علی‌الخصوص در نیمسال‌های اول و دوم ورود دانشجو - می‌تواند تاثیر سازنده‌ای در اصلاح قسمت عمده‌ای از این بلاتکلیفی‌ها داشته باشد.

## ۱-۲- دانشجو در دوران تحصیل

بسیار مشاهده شده است. و احتمالا " چنانچه پژوهشی انجام شود این فرضیه را تایید خواهند نمود. که جوان به محض ورود به دانشگاه قسمت عمده سبک‌سری و بازیگوشی دوران صباوت خود را کنار می‌گذارد و یکباره خود را به شمایل متانت و وقار و جدیت می‌آراید. انتظار - گزافی نیست که تحصیل چنین بلوغ و رشدی که با تجلی خارجی خود نشانگر تعهد و تعلق جوان به جامعه بزرگتر است در دوران متوسطه حاصل شود. گویا اینکه زمینه‌های شکوفائی آن در همان عرصه آغاز گشته است. هجرت از سبک‌سری و بازیگوشی ضرورت زندگی دانشگاهی است زیرا بنا بر فرض درسهای عمومی دوران متوسطه جای خود را به مطالبی می‌دهد که قرار است کاربرد واقعی در چاره‌جویی زندگی اجتماعی دانشجو و جامعه مخدم او داشته باشد.

در واقع محتوای این دوره از زندگی با آنکه در ظاهر

در امتداد دوران مدرسه قرار دارد یک دگرگونی رفتاری

در تلقی جوان نسبت به تحصیل علم و مسئولیت‌های

زندگی بوجود می‌آورد. شاید اولین معما که بر سر راه

مدیریت دانشگاهی قرار می‌گیرد ارائه شرایطی است که

بتواند از این فضیلت خداداده استفاده کند و آنرا در مسیر

شکوفائی قرار دهد. آیا چنین استعدادی آگاهانه مورد

توجه قرار گرفته است؟ تجربه عینی باین سئوال جواب

منفی می‌دهد. دانشجوی تازه وارد بلافاصله پس

از ورود دچار بیگانگی می‌شود زیرا در قبال ابهت و ملامتی

که برای دانشگاه قائل بوده است بی‌نظمی در نامنویسی

بر خورد سردکار اداری و خدماتی، بی‌تفاوتی هیات علمی

و احيانا " عدم تحقق بعضی وعده‌های روزهای اول از طرف

مسئولان دانشگاهی او را یکباره دلسرد می‌سازد و اولین

و اولین لقاء ارزشی را برای بی تفاوتی و نمره طلبی و مدرک گرایی در قلب او مستقر می سازد. دانشجویان قدیمی اگر مشوق این استنباط اولیه نباشند در بوروکراسی حاکم به فضای امروز دانشگاهی مامنکر آن نخواهند بود.

تجربه بعدی دانشجوی حضور در کلاس درس و برخورد با استاد است. بدیهی است که در این میدان نقش تعیین کننده را استاد بعهده دارد که در جای خود بحث خواهد شد. ولی همینقدر باید تاکید شود که میدان اصلی باروری و شکوفائی دانشجوی دانشگاه کلاس است و کلاس باید باشد. در یک تلقی مکانیستی دانشجویان این صحنه تنها دریافت کننده ایست که حقایق را نظر در باره محتوای علمی که با و ارائه می شود و روش ارائه و شخصیت ارائه دهنده را ندارد. با اینکه ضرورت مدیریت دانشگاهی ایجاب می کند که در انتخاب استاد و تعیین او برای کلاس معینی استقلال داشته باشد ولی هیچ دلیل موجهی نمی توان ارائه داد که قضاوت دانشجویان تعیین محتوا و روش تدریس و استاد ارزش جستجو و پژوهش را ندارد بلکه می توان به جادعاً کرد که مشارکت دانشجویان در این ارزیابی به دانشگاه غنای بیشتر خواهد داد. مدرسان با تجربه که دل سوخته دارند و پیام انسانیت و معرفت در اعماق جانشان شعله ور است و یا لا اقل از کاسی و بی تفاوتی گسسته و در این وادی قدمی برداشته اند می دانند که دانشجویان نه ضرورتاً دانشجوی درخشان و ممتاز که خود موتور رشد دانشگاه می شود در مرتبه متوسط خود نیز از همان روزهای اول عمر دانشگاهی می توانند شکوفا شود و قدم به قدم با استاد و استادان خود جوش و خروش بیابد و حتی نوآوری داشته باشد و انگیزه ای برای حرکت و بیداری سایرین گردد.

ابزارهای بعدی دانشگاه برای شکوفایی دانشجویان گردهمایی ها (سینار) و گردش های علمی است. کلاس و استاد ثابت در طول سالیان تحصیل برای شکوفایی خلاقیت و پرورش استعداد های نهفته دانشجویان کافی نیست. بنابراین فرصت های دیگر باید فراهم شود که زوایای شخصیت او را کاش کند و بدن نور بتابد و باروری او را به حداکثر برساند. گردش علمی باید مصداق واقعی به دانشجویان ارائه دهد و تفاوت های نظریه و عمل

را با و بنمایاند و گردهمایی های علمی او را در معرض بینش سایر استادان و محققان و صاحب نظران از دانشگاهها و موسسات اجتماعی قرار دهد و با مجال دهد که یافته های خود و استادان خود را در فضای متفاوتی به محک سنجش بسایند.

ضرورت امکانات رفاهی، ورزشی، گردش صرفاً تفریحی در چهارچوب سازماندهی تعاونی دانشجویان باز دید از سایر دانشگاههای هم رشته و برگزار ی جلسات بحث و انتقاد در چنین باز دید هایی ابزار تشویق کننده و انگیزنده ایست که با فقدان آن دوران تحصیل سرد و ساکت و خسته کننده جلوه می کند.

#### ۱-۳- دانشجویان در فراغت از تحصیل

دانشجویان هر چه و هر که باشد در نیمسال آخر تحصیل خود در جستجوی شغل است. ناهماهنگی های بعضاً طبیعی در برنامه ریزی نیروی انسانی جامعه و عدم تطابق تخصص دانشجویان با نیازهای بازار کار و در نتیجه سرگردانی او در یافتن شغل مناسب، عوامل مایوس کننده ایست که انشاالله با پاک کردن نهضت بازسازی کشور جبران خواهد شد. توسعه ارتباط دانشگاه با صنعت کشور و ایجاد واحدهای کارایی در روابط عمومی دانشگاهها می تواند چاره گشای این مشکل باشد. از بررسی راهبردی دانشگاه درباره روابط عمومی و نقش آن در باروری فضای علمی دانشگاهها و بازوی پژوهش دانشگاهی و عامل خلاق کاریابی برای فارغ التحصیلان سخن خواهیم گفت.

#### ۱-۴- فارغ التحصیلان در بستر جامعه

در نظام دانشگاهی ما وقتی دانشجویان فارغ التحصیل می شود و با دانشگاه و دانشگاه با او وداع می کنند چنانچه پس از فراغت از تحصیل ارتباطی با دانشگاه داشته باشند ناشی از رابطه شخصی و انفرادی است دانشجویان سنوات قبل و یا با استادیان استادانی است که اتفاقاً با آنها رابطه دوستی برقرار کرده است. تکیه بر آموزش نظری و فقدان کارآموزی در دوران تحصیل مانع می شود که فارغ التحصیلان دانشگاه برای کار فرمای خود یک دستیار آماده و مستعد و یک تصمیم

شد.

بنابراین ضرورت تشکیل فارغ التحصیلان دانشگاهها تحت هدایت هیات های رئیس دانشگاهها انکارناپذیر است و خودمتمم و مکملی بر فعالیت های جاری دانشگاهی خواهد بود.

از اینها گذشته فارغ التحصیل ثمره درخت دانشگاه است و چنانچه دانشگاه رابطه مشابه یک کارخانه در نظر آوریم فارغ التحصیل محصول نهایی این نظام تولیدی است. این محصول نهایی میبایستی آیین تمام نمای دو عامل ارزشی مهم باشد یکی رسالت و مقام شامخی که دانشگاه در میان نهادهای یک جامعه بدست آورده است و دوم انتظار جامعه مخدوم دانشگاه در قبال مقام شامخی که به دانشگاه داده و سرمایه گذاری هنگفتی که از منابع (وامانت) متعلق به توده های مردم در آن بعمل آورده است. هر دو موضوع در بررسی راهبرد دانشگاهی میبایستی به تفصیل حلایی شود. ولی در این مقام این موضوع قابل ذکر است که فارغ التحصیل در بدو ورود به جامعه در مقام بازپرداخت وامی قرار دارد که خود ادعای استحقاق آنرا کرده است و امنای جامعه به نمایندگی از طرف مردم باین ادعا بها داده و وام رادراختیار او گذارده اند. چرا که هر و امرداری بایستد و ام خود را بازپرداخت کند.

( دنباله دارد )

گیرنده در دسترس باشد. غالب کارفرمایان شکایت دارند که فارغ التحصیل کارشناسی دانشگاه لا اقل در یک ساله اول کار خود بعنوان وردست قابل استفاده است و لا غیر. برای رفع این نارسائی تدابیری وجود دارد که در برنامه ریزی راهبردی دانشگاه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ولی اشاره باین نکته ضروری است که فارغ التحصیل در بستر جامعه می تواند منشا خدمات مهمی برای دانشگاهها باشد. در جمله می توان به فرصتهای زیر اشاره کرد:

۱- سنت استخدام دستیار پژوهشی برای اعضا، هیات علمی دانشگاههای ما پذیرفته نشده و چنانچه عمل شونده مقیاس محدودی است. بنابراین پژوهشگر دانشگاهی نیاز به کسانی دارد که در عنوان تخصصی طرح پژوهش او در موضع علم و عمل قرار دارند و می توانند آمار و اطلاعات لازم را در اختیار او قرار دهند. بعلاوه در مواردیکه استفاده از پرسشنامه و مصاحبه حضوری در تهیه آن ضروری است استفاده از دانشجوی دوره کارشناسی غیر مطمئن، هزینه بروکند است در حالیکه فارغ التحصیل چه بسا خود یک مخاطب صالح باشد و سهولت بتواند مخاطبان صالح دیگر را نیز شناسایی و استفاده و با معرفی نماید.

۲- سنت گردش علمی و ارائه قضیه (افته) در کلاس درس نیز در نظام دانشگاهی ما بعنوان یک برنامه جاری مورد استفاده قرار نگرفته است. انجام هر دو امر به کمک فارغ التحصیل دانشگاه به سهولت امکان پذیر خواهد

## 1- Strategy

۲- هزار حدیث از سخنان محمد (ص) - فضل ۰۰۰ کمپانی - حدیث ۵۷۸ منقول از ارشاد القلوب دیلمی  
۳- سوره نساء آیه ۱۴۱